



سنگینی اصل تفکیک قوا بردوش هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان

مؤلفه‌های مردم‌سالارانه اقتضا می کند با نمایندگانی که بر خلاف قانون و شأن نمایندگی رفتار می کنند، بر خورد قانونی شود

۱۲ بررسی حقوقی
نیره ساری

یکی از نمودهای بارز دموکراسی انتخاب نمایندگان است که با تک‌تک آرای ملت به پارلمان فرستاده می‌شوند، این در حالی است که حرکت بر خلاف ملک‌ها و معیارهای انتخاب یک فرد طبق اصول قانونی، سبب نادیده گرفتن نظر مردم می‌شود و به نوعی هر نماینده برای چهار سال حضور خود در خانه ملت تحت هر شرایطی تنها نیازمند یک رای است تا با اعطای این مجوز در ست یا غلط بر کسوت خود باقی بماند. دو هفته اخیر صفحات مجازی در گیر کلیپ منتشر شده از بر خورد یکی از نمایندگان مجلس بود. به دنبال آن هم برخی خبرها مثل سرعت عملی این نماینده مطرح شد. اتفاقی که باعث شد پای شکایت استاد آلمانی به این ماجرا باز شود. عموم مردم در جایگاه‌های مختلف نظرات متفاوتی در این باره داشتند که بخش عمده‌ای از آن انگشت اشاره را به

■ اصل تفکیک قوا، تعامل و ایجاد محدودیت

قدرت فسادزا است و اگر بر آن نظارت نشود کانون فساد می‌شود. اصل تفکیک قوا همان موضوعی است که در شاکله نظام‌های مردم‌سالاری تعریف می‌شود. در قرون هفدهم و هجدهم و درست پس از کنگره «وستفالی» بود که سیستم کشورها اصل تفکیک قوا را به عنوان مفهوم بنیادی سیاست پذیرفت. مفهومی که امروز در قالب تقسیم قدرت بین سه قوه مقننه، مجریه و قضاییه مورد قبول اجماع حقوق‌دانان واقع شده، دستاورد منتسکیو فیلسوف و متفکر فرانسوی قرن هجدهم است. اصل تفکیک قوا به مطلق بدون قدرت دخالت قوا در کار یکدیگر) و نسبی (در عین تمایز با یکدیگر ارتباط دارند) تقسیم می‌شود و در کشور ما به عنوان «استقلال قوا» شناخته می‌شود.

نمای نزدیک

واژه نماینده در لغت به معنای «آنکه می‌نماید و هویدا می‌کند، نشان‌دهنده و…» است (دهخدا، ۲۲۲۰، ۲۲۳۱، ۲۲۲۰). اما در اصطلاح حقوق اساسی، نماینده به معنای خاص، به کسی گفته می‌شود که طبق قوانین و مقررات، پس از اعلام نامزدی خویش توسط آرای عمومی همه مردم یا اکثریت مردم به عنوان نماینده مجلس (پارلمان) انتخاب می‌شود، گروهی بر این اعتقادند که نمایندگی مجلس نوعی وکالت است و نماینده پارلمان در امور تقنینی و وظایف مربوط، وکیل مردم است. به تعبیر دیگر مردم (رای‌دهندگان) موکل، نماینده مجلس وکیل و رابطه بین این دو وکالت است. برای اشاره به واژه وکالت می‌توان به اصل شصت و هفتم از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان «سوگند نمایندگان مجلس

نماینده کیست؟

شورای اسلامی «استناد کرد که در نخستین جلسه مجلس قرائت می‌شود. این اصل تصریح دارد: «من در برابر قرآن مجید، به خدای قادر متعال سوگند یاد می‌کنم و با تکیه بر شرف انسانی خویش تعهد می‌نمایم که پاسدار حریم اسلام و نگاهبان دستاوردهای انقلاب اسلامی ملت ایران و مبانی جمهوری اسلامی باشم، ودیعه‌ای را که ملت به ما سپرده به عنوان امینی عادل پاسداری کنم و در انجام وظایف وکالت، امانت و تقصوا را رعایت نمایم و همواره به استقلال و اعتدالی کشور و حفظ حقوق ملت و خدمت به مردم پایبند باشم». از قانون اساسی دفاع و کتم در گفته‌ها و نوشته‌ها و اظهارنظرها، استقلال کشور و آزادی مردم و تأمین مصالح آنها را مدنظر داشته باشم.»

نمایندگان برای مردم تکلیف تعیین می‌کند و در نهایت نمایندگان در قانونگذاری محدود به لوائح ارانه شده از سوی دولت هستند.

با چنین اهرم‌هایی که چندان قوی به نظر نمی‌رسند گفته می‌شود هیچ نهادی بالاتر از مجلس به لحاظ نظارتی نخواهد بود اما آیا این شیوه تفکیک قوا برای نظارت کافی است؟! به ویژه آنکه نمایندگان مجلس در وظایف نمایندگی از مصونیت قضایی هم برخوردارند. مطابق اصل ۸۶ قانون اساسی جمهوری اساسی ایران «نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهارنظر و رأی خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا رأیی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند تعقیب یا توقیف کرد».

همین موضوع در ماده ۷۵ از آیین‌نامه داخلی مجلس نیز ذکر شده است که طبق اصل ۸۶ قانون اساسی این مصونیت را تکرار کرده است. شاید به همین سبب است که پارلمان بر خلاف دستور جلسه مشخص خود، شاهد

سمت نماینده سراوان گرفته بود. برخی معتقد به استعفا بودند تا جایی که هشتگ «نماینده سراوان استعفا» هم برای مدتی در فضای توییتر داغ شد، برخی خواستار بر خورد نهادهای قانونی بودند، خانه ملتی‌ها به نظاره غیر علنی فیلم نشستند تا قضاوت کنند و در ادامه پای «هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان» باز شد. اما شاید بد نباشد از زاو به قانون به این موضوع نگاه کرد. یعنی همین عنوان «هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان» که شاید بتوان با تعریف درست از دلایل شکل‌گیری، اختیارات و وظایف چنین هیئتی در این مقطع رفتار یک نماینده را به نظاره نشست. مگر نه اینکه نماینده بودن و اعطای حکم نماینده ملت بودن، شرایطی دارد که عدول از شرایط قوق، خواه، ناخواه دلیلی برای عدم صلاحیت نماینده است. اما آیا این قانون و چنین حکمی به درستی اجرا می‌شود؟! اگر پاسخ منفی است، پس دلیل پیش‌بینی‌های

اعطای می‌شود. می‌توان گفت با تعریف وکیل و موکل تا زمانی که نمایندگان ملت یا وکلای ملت خود را به ثبت دیدگاه‌های موکلان خود یا همان ملت محدود کنند، نمایندگی آنان هیچ انحرافی از اصول دموکراسی ندارد، ولی بی‌توجهی به خواسته‌های هیئت رأی‌دهندگان و انتخاب‌کنندگان توسط انتخاب‌شوندگان خودنوعی هرج و مرج و آشرفی بر خاسته از «پارلمانتاریزم» محسوب می‌شود، یعنی بهادان صرف به یک عضو یا یک رای!

افزون بر این طبق اصل ۸۴ قانون اساسی هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهارنظر کند. هر نماینده‌ای از حوزه‌انتخابیه خود وارد مجلس می‌شود، ولی طرف‌مقابل این فرد تمام مردم کشور هستند نه مردمی که به او رأی دادند. اگر وکیل یا موکل در دوران وکالت صفاتی را که مردم براساس آن صفات به وی رای داده‌اند در از دست

د

اگر «هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان»، به درستی بر قانون را اعمال کند و نسبت به رفتارهای خلاف قانون یک نماینده پس از احراز غیر قانونی بودن، به صورت جدی وارد عمل نشود، نه هزینه‌ای بر جایی تحمیل می‌شود و نه مؤلفه‌های مردم‌سالارانه نقض می‌شود

د

دیکتاتوری یک قوه نقض غرض اصل تفکیک قوا است. برای جلوگیری از دیکتاتوری قوه مقننه، تقویت هیئت نظارت بسر رفتار نمایندگان و جدی و قاطع بر خورد کردن این هیئت، لازم است

دموکراسی یا همان مردم‌سالاری دینی تعریف می‌شود، انتخابی است که تک‌تک افراد آگاهانه،مقم می‌زنند و یکی از جلوه‌های این انتخاب، انتخاب وکلای ملت یا همان نمایندگان مجلس شورای اسلامی است.
■ نظارت در مردم پر قوه مقننه
در ایده حاکمیت دینی نظارت امری مهم قلمداد می‌شود. آموزه امر به معروف و نهی از منکر، شورا، نصیحت به امام مسلمانان و ضرورت آرمان عدالت در حکومت اسلامی و بر خورداری حاکم از ویژگی‌هایی همچون عدالت و آراستگی به ارزش‌هایی مانند عدالت، موجب نهادینه‌سازی نظارت در ایده و به تبع آن، در رفتار و ساختار است. در ایده حاکمیت دینی ضرورت توجه به مقوله مقبولیت در حاکمیت دینی و کارآمدی یا مقبولیت رقم می‌خورد، این مقبولیت در حاکمیت دینی بر اساس معیار انتخابات محک می‌خورد. این انتخاب در مردم‌سالاری دینی بر اساس شایسته‌سالاری یا ضرورت برخورداری از صفات تعریف‌شده‌ای همچون عدالت، تدبیر و مواردی از این قبیل است که از طریق رأی به فرد

کره حقوقی روزنامه جوان پدبرای مطالب جامعه حقوقی است. انتشار دیدگاه‌های حقوقی به منزله تأیید یا رد تمام محتوای آنها نیست.

آداب

محمدجواد آقاباقری*

جولان تروریسم جنسی واغمای حقوق کیفری

تروریسم، جرمی با ماهیت سیاسی است که هدف آن، ایجاداخلال در نظم عمومی از طریق وحشت‌پراکنی است؛ ابزاری مجرمانه در دست متخالفان، که با آن به جنگ نرم یا سخت‌پساکومت‌ها می‌پردازند. از جمله مصداق این پدیده شوم، سوءاستفاده از وجود شریف زن و شکستن حریم و عفاف کسی است که نقش پرورش‌دهنده نسل آینده کشور را در مقام‌عظیم‌الشانئ همچون مادر دارد. تروریسم جنسی با هدف «اندلسی کردن ایران» به جنگ سرد و نرم با نظام جمهوری اسلامی ایران آمده و متأسفانه قربانیانی هم از ما گرفته است. سیستم اسکورت سرویس یا همان فاحشه‌گری رسمی است که توسط باندهای بزرگ قاچاق انسان برای سرویس‌دهی جنسی هدایت می‌شود؛ این سیستم در بسیاری از موارد با فریب دختران جوان و دادن وعده‌های دروغینی همچون اشتغال درآمذا، مدلینگ و شهرت بین‌المللی، اذواج، سفرهای تفریحی و گردش‌ی در دنیا و… فعالیت مجرمانه خود را پیش می‌برد.
آبان‌ماه ۱۳۹۶ رونمایی از مستندی به نام «پول و پورن» که به موضوع دستگیری باندهی به نام «اسکورت‌سرویس» و تعیین مجموعاً ۱۰۰ سال محکومیت حبس برای ۱۰ نفر از آنها توسط شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی تهران می‌پردازد، خبرساز می‌شود. باندهی که به ریاست فردی به نام الکس و مادرش، با فریب بیش از ۸۰۰ دختر ایرانی، طی دو سال به‌ارانه سرویس جنسی به مشتریان خود در دویب و ملازی می‌پرداخته و در اعترافات دستگیرشدگان آن آمده است که مادر الکس با تابعیتی امریکایی گفته‌بود که مأموریت الکس، پول‌سازی از شیعه و دختران شیعه است.
نوام چامسکی معتقد است: «تروریسم، کاربرد ابزار زور گوناپه برای هدف قرار دادن مردم غیرنظامی در تلاش برای دستیابی به اهداف سیاسی، مذهبی یا غیره است.»

با کنار هم قرار دادن چنین تعاریفی از تروریسم و نقشه‌های شوم دشمنان ایران اسلامی برای اندلسی کردن ایران؛ با مصداق نوینی با به‌کارگیری ابزار مجرمانه علیه مردم غیرنظامی، یعنی تروریسم جنسی روبه‌رو می‌شویم که اقدامات سازمان‌یافته‌ای همچون پرونده الکس، تنها نمونه‌ای از آن است. کتاب خاطرات مستر هفر و اشاره به سیاست‌های انگلیس برای کشورهای اسلامی نیز در همین زمینه درخورد توجه است. آنجا که می‌نویسد: «به هر وسیله‌ای شده باید زن مسلمان را از حجاب اسلامی خارج و بی‌حجابی را در بین زنان مسلمان رایج کرد.» چنین سیاستی به‌اذعان تاریخ، در زمانی که مسلمانان اندلس قدیم، ۸۰۰ سال حکومت و تمدن بزرگ اسلامی را در اروپا پایه‌ریزی کردند، کارساز بوده است.

رهبر معظم انقلاب از سال‌ها پیش، خطر اندلسی شدن ایران را گوشزد می‌کردند و به‌طور مثال در دیدار با جوانان و دانشجویان سیستان و بلوچستان در تاریخ ۱۳۸۱/۱۲/۶ می‌فرمایند: «سیاست امرروز آمریکایی‌ها، سیاست اندلسی کردن ایران است! موضوعی است یا شما در میان می‌گذارم شکل موطنه‌نادران؛ بلکه موضوعی اسلامی است.» لذا به نظر می‌رسد جای تردیدی وجود نداشته باشد که جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر نه تنها با مشکل بارزی از تروریسم همچون قتل و کشتار مواجه است، بلکه با گوناپی دیگر از تروریسم که به صورت پنهان و نرم عمل می‌کند، یعنی تروریسم جنسی هم روبه‌رو است.
ولکن متأسفانه حقوق کیفری به عنوان یکی از ابزارهای مهم به‌منظور مقابله با جرائم سازمان‌یافته، نتوانسته همگام با تحولات جرائم و گسترده شدن آنها، تغییر و تحول ایجاد کند.

نه تنها تروریسم جنسی، بلکه اصل تروریسم و اقسام آن نیز مورد توجه خاص قانونگذار کیفری نبوده و همواره به‌اتکای جرم‌ردانگاری‌های موجودی همانند مجاربه، از توسعه کمی و کیفی قوانین کیفری بازمانده است. اصل عنوان مجرمانه‌ای همچون تروریسم جنسی یا اقدامات سازمان‌یافته منافی عفت هیچ‌گاه تاکنون به دید یک خطر بزرگ و به معنای واقعی کلمه، «تروریسم جنسی» مورد توجه قرار نگرفته است و بر همین اساس شاهد هستیم که به‌طور مثال سرکردگان پرونده الکس با عنوانی همچون تحصیل مال از طریق نامشروع محکوم می‌شوند! البته قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تبعیت از متون فقهی و برای نخستین بار در ماده ۷۸۶ به جرم‌انگاری افساد فی الارض پرداخته است. عنوانی که اگرچه مانع فرار سرکردگان باندهای تروریستی جنسی نیست، اما چنانچه در صورت فرار سرکردگان باندهای بین‌المللی و لزوم ادبیات مشترک و همه‌فهم به‌منظور پیشبرد اهداف، هیچ‌گاه جای عنوان مستقلی همچون «تروریست» را نخواهد گرفت.

■ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه عدالت

منازه‌ها

انتشار نخستین کتاب «فرهنگ حقوق ارتباطات»

کتاب «فرهنگ حقوق ارتباطات» که نخستین فرهنگ منتشر شده در زمینه حقوق ارتباطات در کشور است، توسط دانش‌آموختگان کارشناسی ارشد رشته «حقوق ارتباطات» دانشگاه علامه طباطبایی منتشر شد. در مقدمه این کتاب که گردآوری، تدوین و ترجمه آن توسط «خدایار سعید وزیری» و «خدیجه بیات» دانش‌آموختگان رشته حقوق



ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی و «سحرسیدتفرشی‌ها» دانش‌آموخته حقوق بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی صورت گرفته و از سوی انتشارات خرسندی منتشر شده است، می‌خوانیم: «پیشرفت روزافزون ارتباطات و تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی، پرداختن به ابعاد حقوقی این حوزه را هر روز اهمیتی بیش از پیش می‌بخشد و قطعاً یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازها و الزامات تحقیق و پژوهش در هر حوزه‌ای آشنایی با ادبیات و اصطلاحات آن حوزه است و به همین سبب نیز همواره شاهد انتشار فرهنگ‌ها و ترمینولوژی‌های تخصصی در حوزه علوم گوناگون هستیم. کتابی که در دست دارید نیز از جمله این فرهنگ‌های تخصصی است که به‌نویا بودن رشته حقوق ارتباطات در کشور و کمبود منابع و لزوم بهره‌مندی از کتب و مقالات خارجی نیاز به در دسترس بودن معنای اصطلاحات رایج در این متون احساس می‌شد. هر چند قطعاً این اثر به عنوان نخستین فرهنگ تخصصی حقوق ارتباطات و مجموعه‌ای از بزرگ‌ترین اسناد حقوق ارتباطات کشور آورده شده است. امید آنکه مفیدافتد و در نظر آید.»
چاپ اول کتاب «هنگ حقوق ارتباطات» در ۱۵۲ صفحه توسط انتشارات خرسندی منتشر و به جامعه علمی دانشگاهی کشور عرضه شده است.